بازخوانی بیانات رهبر انقلاب در سخنرانی ۱۴ خرداد ۹۴

۷ اصل از مکتب امام

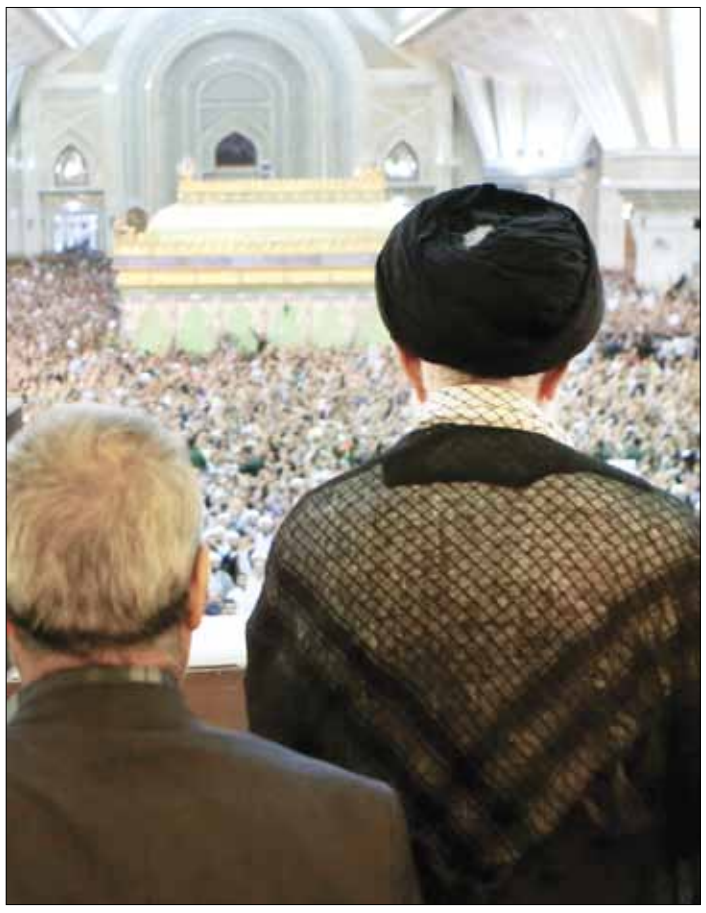

اشاره: رهبر معظم انقلاب در دیدار ۱۴ خرداد ۹۴ که یکی از چند دیدار مفصل و مبنایی ایشان با مردم است، به تحریف امام اشاره کردند و رجوع مجدد به امام و مطالعه صحیفه امام را واجب دانستند. ایشان آن راهی که می‌تواند مانع از تحریف امام شود را بازخوانی اصول امام بیان کردند و فرمودند: «امام یک اصولی دارد، یک مبانی‌ای دارد، این مبانی در طول ۱۰ سال دوران حاکمیت اسلامی و پیش از آن در طول ۱۵ سال دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان شده است، اصول امام را در این بیانات می‌شود پیدا کرد، این اصول را، این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد، شخصیت امام این است. نمی‌گویم به هر مطلب فرعی توجه کنید، زندگی امام مثل زندگی همه انسان‌های دیگر فراز و نشیب‌هایی دارد، حوادثی در آن اتفاق افتاده است و هر حادثه‌ای اقتضایی داشته است، مطالب اصولی را عرض می‌کنیم، آن چیزهایی که قابل انکار نیست، جزو بینات امام است، در طول سال‌های متمادی، چه قبل از تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران جنگ تحمیلی ۸ ساله، چه قبل از آن و چه بعد از آن، این اصول را امام در بیانات خود تکرار کرده است، این اصول را گزینشی هم نباید انتخاب کرد. من البته امروز ۶-۵ مورد از اینها را عرض می‌کنم اما همین‌جا هم می‌گویم اصول امام ممکن است فقط اینها نباشد، صاحب‌نظران و افرادی که می‌توانند و توانایی این کار را دارند، بروند دنبال کنند، بیانات امام را نگاه کنند- بحمدالله تدوین شده است، موجود است، در اختیار همه است- و این اصول را استخراج کنند. من امروز همه اصول قابل استخراج از بیانات امام را نمی‌توانم عرض بکنم، ۶-۵ مورد را امروز عرض می‌کنم، نمی‌خواهم گزینشی باشد، لذا می‌گویم افراد بروند نگاه کنند، مواردی را پیدا کنند اما آنچه را من امروز عرض می‌کنم جزو مسلمات منطق امام و مکتب امام و راه امام و خط امام است».

■ **اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی**

اولین مطلبی که در [مکتب] امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است. امام، اسلام ناب را در مقابل اسلام آمریکایی قرار داد. اسلام آمریکایی چیست؟ اسلام آمریکایی در زمان ما و در زمان امام و در همه زمان‌ها- تا آنجا که ما می‌شناسیم، ممکن است در آینده هم همین‌جور باشد- دو شاخه بیشتر ندارد: یکی اسلام سکولار، یکی اسلام متحجر، لذا امام، آن کسانی را که تفکر سکولاری داشتند- یعنی دین را، جامعه را، رفتار اجتماعی انسان‌ها را، جدای از اسلام می‌خواستند- همواره در ردیف کسانی گذاشت که نگاه متحجرانه به دین داشتند، یعنی نگاه عقب‌افتاده غیرقابل فهم برای انسان‌های نواندیش و متعصبانه بر روی مبانی غلط، تحجر، هر دوی اینها را امام در کنار هم همواره ذکر کرده است. امروز که شما نگاه می‌کنید، می‌بینید هر دو نمونه اسلام، در دنیای اسلام وجود دارد، هر دو هم مورد حمایت قدرت‌های قلدر دنیا و مورد حمایت آمریکاست. امروز، هم جریان منحرف داعش و القاعده و امثال اینها مورد حمایت آمریکا و اسرائیلند، هم بعضی از جریان‌های به نام اسلام و بیگانه از عمل اسلامی و فقه اسلامی و شریعت اسلامی، مورد حمایت آمریکا است. اسلام ناب از نظر امام بزرگوار، آن اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکر روشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و متد علمی جا افتاده و تکمیل شده در حوزه‌های علمیه، استنباط می‌شود و به دست می‌آید. این‌جور نیست که روش استنباط مورد توجه نباشد و هر کسی بتواند قرآن را باز کند و اصول حرکت اجتماعی را استنباط کند، نه! این یک متُد دارد، این یک روش دارد، این روش علمی است، کارشده است، کسانی هستند که می‌توانند این روش را دنبال کنند. اسلام ناب از نظر امام بزرگوار این است. البته هر کسی هم که آن متُد را بلد است، آن روش را بلد است، قادر نیست، باید فکر روشن داشته باشد، باید آشنا با زمان و مکان باشد، باید نیازهای بالفعل جوامع بشری و جوامع اسلامی را بشناسد، باید دشمن را بشناسد، نحوه دشمنی‌های او را بداند، آن وقت می‌تواند اسلام ناب را مشخص کند و بشناسد و بشناساند. اسلام آخوندهای درباری- که امام مکرر با همین تعبیر از آنها اسم می‌آوردند- اسلام داعشی، از آن طرف، اسلام بی‌تفاوت در مقابل جنایات [رژیم] صهیونیستی، در مقابل جنایات آمریکا، اسلام چشم‌دوخته به آمریکا و قدرت‌های بزرگ و به اشاره آمریکا، اینها همه سر در یک آخور دارند، در یک جا اینها همه به هم می‌رسند، از نظر امام اینها همه مردودند. اسلامی که امام معرفی می‌کند، در مقابل همه اینهاست. پیرو امام، آن کسی که دنباله‌رو امام است، باید مرزبندی داشته باشد، هم با اسلام متحجر، هم با اسلام سکولار، اسلام ناب را شناسایی کند و دنبال کند. یکی از اصول امام این است. این چیزی نیست که امام یک بار گفته باشند، در سرتاسر آثار امام، بیانات امام، گسترده است.

■ **اعتماد به وعده الهی و بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر و زورگوی جهانی**

دوم: یکی از اصول امام اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده الهی، و نقطه مقابل، بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر و زورگوی جهانی است، این یکی از اجزای مکتب امام است. اتکال به قدرت الهی، خدای متعال وعده داده است به مؤمنین، و کسانی که این وعده را باور ندارند در کلام خود خداوند لعن شده‌اند: «وَ لَعَنَهُمُ اللهُ، وَ غَضِبَ اللهُ عَلَیهِم»، آن کسانی که «الظّانّینَ باللهِ ظَنَ السوءِ عَلَیهِم دائرَةُ السوءِ وَ غَضِبَ اللهُ عَلَیهِم وَ لَعَنَهُم وَ اَعَدَ لَهُم جَهَنَمَ وَ ساءَت مَصیرًا». اعتقاد به وعده الهی، به صدق وعده الهی- که فرموده است «اِن تَنصُروا اللهَ یَنصُرکُم»- یکی از ارکان تفکر امام بزرگوار ما است، باید به این وعده اعتماد و اتکال کرد. نقطه مقابل، به دل‌خوش کُنَک‌های دشمنان، مستکبران، قدرت‌های جهانی، مطلقاً نباید اعتماد کرد، این هم در عمل امام، در رفتار امام، در بیانات امام به‌طور کامل مشهود است. این اتکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او، موجب می‌شد امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد. امام با صراحت صحبت می‌کرد، آنچه را مورد اعتقاد او بود صریح بیان می‌کرد، چون اتکا به خدا داشت، نه اینکه نمی‌دانست قدرت‌ها بدشان می‌آید، نه اینکه نمی‌دانست آنها عصبانی می‌شوند، می‌دانست اما به قدرت الهی، به کمک الهی، به نصرت الهی باور داشت. در برابر حوادث، دچار رودربایستی نشد، به یکی از نامه‌ها- امام شاید به دو نامه از نامه‌های سران مستکبر دنیا یا وابستگان به مستکبر- که به او نوشته بودند جواب داد، امام به آن نامه، با صراحت تمام، مطلب را جواب داد که همان وقت در صداوسیمای جمهوری اسلامی پخش شد. البته امام مؤدبانه حرف می‌زد اما مواضع قاطع و روشن خود را در آن نامه‌ها بیان کرد و این توکل خود را امام مثل خونی در شریان ملت جاری کرد، ملت هم اهل توکل به خدای متعال شد، به نصرت الهی معتقد شد و در این راه وارد شد. اینکه امام به مستکبرین هیچ اعتمادی و هیچ اعتقادی نداشت، موجب می‌شد به وعده‌های آنها اعتنایی نکند. رئیس‌جمهور آمریکا- ریگان که رئیس‌جمهور مقتدری هم بود- به امام نامه نوشت و پیغام فرستاد و آدم فرستاد، امام به او اعتنایی نکرد، پاسخی به او نداد و وعده‌ای را که او داده بود، امام به هیچ گرفت.

در یک مورد دیگر یک وعده‌ای درباره پایان جنگ تحمیلی، یکی از دولت‌های وابسته به آمریکا داده بود، بحث صدها میلیارد یا هزار میلیارد در میان بود، امام اعتنایی به آن نکردند، اعتماد نکردند. ما حالا در قضایای گوناگون جاری خودمان داریم همین معنا را لمس می‌کنیم، می‌بینیم که چطور نمی‌شود به وعده مستکبرین اعتماد کرد، به حرف‌هایی که در جلسه خصوصی می‌زنند نمی‌شود اعتماد کرد، این را داریم لمس می‌کنیم. امام آن را جزو خطوط اصلی کار خود قرار داد، اعتماد به خدا، بی‌اعتمادی به مستکبران. این البته به معنای قطع رابطه با دنیا نبود [چون] سران کشورها به مناسبت‌های مختلف برای امام پیام تبریک می‌فرستادند، امام هم به پیام تبریک آنها جواب می‌داد. ارتباط این جوری، در حد معمول، مؤدبانه و محترمانه وجود داشت اما هیچ‌گونه اعتمادی به مستکبرین و قلدران و تبعه و دنباله‌روان آنها وجود نداشت.

■ **اعتقاد به اراده مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی**

سوم: اعتقاد به اراده مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی. این از جمله خطوط اصلی حرکت امام است. در آن روزها سعی می‌شد به‌خاطر یک برداشت نادرست، همه کارهای اقتصادی کشور به دولت موکول و وابسته شود، امام بارها و بارها هشدار می‌داد- و این هشدارها در بیانات ایشان به‌طور واضح منعکس است- که این مسائل را به مردم بسپارید، اعتماد به مردم داشت در مسائل اقتصادی، اعتماد به مردم داشت در مسائل نظامی. این را توجه کنند: امام از اول پشتیبان ارتش بود، کسی که مانع انحلال ارتش در کشور شد، شخص امام بود، با وجود این، نیروی سپاه را به‌وجود آورد، بعد هم نهاد بسیج را به‌وجود آورد، حرکت نظامی را یک جریان مردمی قرار داد. در مسائل اقتصادی، تکیه به مردم، در مسائل نظامی، تکیه به مردم، در مسائل سازندگی کشور، تکیه به مردم، که جهاد سازندگی را به راه انداخت، در مسائل تبلیغات، تکیه به مردم و بالاتر از همه مساله انتخابات کشور و آرای مردم در مدیریت کشور و تشکیلات نظام سیاسی کشور. در تمام طول این مدت- دوران حاکمیت امام بزرگوار ما ۱۰ سال است، از این ۱۰ سال، ۸ سال در این کشور جنگ بود، شهرها بمباران می‌شد، جبهه‌ها مشغول جنگ بودند- که شاید حدود ۱۰ انتخابات در کشور انجام گرفت، انتخابات‌های گوناگون یک روز از تاریخ مقرر خودش عقب نیفتاد، در همه مراحل، در همه احوال، در همه شرایط، امام بزرگوار اصرار داشت که انتخابات در وقت مقرر خود انجام بگیرد. اینکه در بعضی کشورها معمول است حالت فوق‌العاده اعلام می‌کنند، امام یک روز حالت فوق‌العاده اعلام نکرد، به انتخابات اهمیت می‌داد. در روز انتخابات جزو اولین کسانی که پای صندوق رأی حاضر می‌شد، شخص امام بزرگوار بود، اعتقاد به مردم و به معنای حقیقی کلمه احترام برای آرای مردم و افکار مردم و تشخیص مردم قائل بود، ممکن بود آن چیزی را که مردم انتخاب می‌کنند، مورد نظر امام در یک موردی هم نباشد اما در عین حال برای آرای مردم احترام قائل بود، آنها را محترم می‌شمرد، آنها را معتبر می‌شمرد، این هم یکی از چیزهاست.

امام درباره مردم به اینها هم اکتفا نکرد، مردم را ولی‌نعمت مسؤولان معرفی کرد، مکرر امام عنوان کردند که این مردم ولی‌نعمت ما هستند، مواردی خود را خادم ملت معرفی کرد، می‌گفت: اگر به من خادم ملت بگویند بهتر از این است که رهبر بگویند. این خیلی حرف بزرگی است، نشان‌دهنده جایگاه برجسته مردم و افکار مردم و آرای مردم و حضور مردم در نظر امام است، مردم هم پاسخ مناسب دادند، در صحنه حضور پیدا کردند، آنجا که انگشت اشاره او بود، مردم با جان و دل در آنجا حاضر شدند. این متقابل بود، امام به مردم اعتماد داشت، مردم به امام اعتماد داشتند، امام مردم را دوست داشت، مردم امام را دوست داشتند، این رابطه متقابل، یک امر طبیعی است.

■ **حمایت از محرومان و مستضعفان و مخالفت با خوی کاخ‌نشینی**

نکته چهارم در بُعد مسائل داخلی کشور، امام طرفدار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود، امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد می‌کرد، اشرافی‌گری را با تلخی رد می‌کرد، به معنای واقعی کلمه امام طرفدار عدالت اجتماعی بود، طرفداری از مستضعفان شاید یکی از پرتکرارترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیانات‌شان گفتند، این یکی از خطوط روشن امام است، این یکی از اصول قطعی امام است، همه باید تلاش کنند فقر را ریشه‌کن کنند، همه باید تلاش کنند محرومان را از محرومیت بیرون بیاورند و تا آنجا که در توان کشور است، به محرومان کمک کنند. از آن طرف به مسؤولان کشور هشدار می‌داد درباره خوی کاخ‌نشینی؛ این نکته‌ای که در قرآن هم آمده است: «وَ سَکَنتُم فی مساکن الذینَ ظَلَموا» و همه را از خوی کاخ‌نشینی برحذر می‌داشت، تأکید مکرر می‌کرد بر اینکه به وفاداری طبقات ضعیف اعتماد کنید، این را امام مکرر می‌گفت که این کوخ‌نشینانند، این فقرایند، این محرومانند که این صحنه‌ها را با وجود محرومیت‌ها پر کرده‌اند، اعتراض هم نمی‌کنند، در میدان‌های خطر هم حاضر می‌شوند، [اما] آن کسانی که برخورداری‌های بیشتری داشتند، در موارد مختلف اگر مشکلی پیش می‌آمد، اتفاقاً آنها بیشتر ابراز نارضایی می‌کردند. این وفاداری طبقات متوسط مردم و طبقات محروم مردم، از نظر امام یک امر برجسته بود و این را تأکید می‌کرد. بر مصرف درست بیت‌المال تأکید می‌کرد، بر پرهیز کردن از اسراف تأکید می‌کرد. این هم یکی از خطوط اساسی است. مساله عدالت اجتماعی، طرفداری از محرومان و دوری از خوی اشرافی‌گری و خوی تجمل‌گرایی و عمل در این جهت.

■ **مخالفت صریح با جبهه قلدران بین‌المللی و مستکبران**

نکته پنجم در بُعد خارجی [است]. امام صریحاً در جبهه مخالف قلدران بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ ملاحظه‌ای نمی‌کرد. این است که امام در مقابله میان قلدران و مستکبران و قدرت‌های زورگوی عالم با مظلومان، در جبهه مظلومان بود، صریح، بدون ملاحظه و بی‌تقیه این را بیان می‌کرد. طرفدار جدی مظلومان جهان بود. امام با مستکبرین سر آشتی نداشت.

واژه «شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است. وقتی شما یک کسی را، یک دستگاهی را شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد، باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد، امام تا روز آخر، نسبت به آمریکا همین احساس را داشت، عنوان شیطان بزرگ را، هم به کار می‌برد، هم از بن دندان اعتقاد به این معنا داشت. در مقابل از اول انقلاب کسانی بودند که توجه نمی‌کردند که آمریکا عقبه تغذیه‌کننده رژیم طاغوتی است که به‌وسیله ملت ایران برافتاد.

ملت ایران رژیم طاغوت را ساقط کردند اما کسانی بودند آن روز که با حضور آمریکایی‌ها، با فعالیت آنها- حتی فعالیت برخی از نهادهای آمریکایی- در داخل کشور موافق بودند! اختلاف عمده دولت موقت با امام بزرگوار سر این قضیه بود، ما از نزدیک می‌دیدیم. آنها توجه نمی‌کردند که آمریکا تغذیه‌کننده رژیم طاغوت بود، این رژیم حالا برافتاده است اما آن دستگاه تغذیه‌کننده هنوز باقی است، فعال است، اگر به او میدان داده شود، مجال داده شود، دوباره مشغول خواهد شد و ضربه خواهد زد و نقاط ضعف را جست‌وجو خواهد کرد و از آن نقاط ضعف وارد خواهد شد، این را توجه نمی‌کردند. امام این را می‌دید، لذا موضع‌گیری امام در زمینه مساله لانه جاسوسی ناشی از همین نگاه و همین دیدگاه بود. در دنیا کسانی به این نقطه توجه نکردند و ضربه‌اش را خوردند که حالا نمی‌خواهیم کسانی را شماتت و ملامت کنیم اما این ضربه‌ای است که بعضی خوردند، به‌خاطر اینکه رژیم‌های مرتجع و مستکبر را ساقط کردند، [ولی] عقبه آنها را نادیده گرفتند. امام این عقبه را از روز اول دید، با آن مقابله کرد، لذا تا آخر، امام علیه آمریکا و دستگاه سیاسی و امنیتی آمریکا موضع داشت.

متقابلاً امام بزرگوار در طول این سالیان دراز از فلسطین حمایت کرد، دفاع کرد. از فلسطین دفاع کرد، از افغانستان دفاع کرد. آن روزی که شوروی‌ها وارد افغانستان شدند، با اینکه ما گرفتار دشمنی آمریکا بودیم- دولت‌ها معمولاً در این مواقع که با یک طرف گرفتاری دارند، با طرف دیگر می‌سازند- امام بزرگوار در همان حال در مقابل شوروی موضع قاطع گرفت که این موضع قاطع را حتی بعضی دولت‌هایی که گرایش غربی داشتند هم نگرفتند اما امام بزرگوار بدون هیچ ملاحظه‌ای از ملت افغانستان حمایت کرد، از ملت لبنان حمایت کرد، فلسطینی‌ها را با کمال صمیمیت مورد حمایت خودش قرار داد. این منطق امام است درباره مقابله بااستکبار.

با این منطق امروز می‌شود قضایای دنیا را شناسایی کرد، موضع درست را می‌شود فهمید. امروز ما به همان اندازه‌ای که با رفتار وحشیانه و ظالمانه جریان داعش در عراق و در سوریه مخالفیم، به همان اندازه با رفتار ظالمانه پلیس فدرال آمریکا در داخل کشورشان مخالفیم- اینها هر دو مثل هم هستند- به همان اندازه با محاصره غزه که محاصره ظالمانه‌ای است علیه مردم مظلوم غزه مخالفیم، به همان اندازه با بمباران مردم مظلوم و بی‌پناه یمن مخالفیم، به همان اندازه با سختگیری‌هایی که علیه مردم بحرین به‌وجود می‌آید مخالفیم، به همان اندازه با حمله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به مردم در افغانستان و در پاکستان مخالفیم.

این منطق، منطق امام است. هرجا ظلم هست دو طرف وجود دارد: ظالم و مظلوم، ما طرفدار مظلومیم، مخالف با ظالمیم، این موضع‌گیری‌ای است که امام به صراحت انجام می‌داد و این یکی از خطوط اساسی.

خطوط اصلی است. امروز هم به همین دلیل مساله فلسطین برای ما یک مساله اصلی است، این را همه بدانند. مساله فلسطین از دستور کار نظام جمهوری اسلامی خارج نخواهد شد. مساله فلسطین، عرصه یک مجاهدت واجب و لازم اسلامی است، هیچ حادثه‌ای ما را از مساله فلسطین جدا نمی‌کند. ممکن است کسانی در صحنه فلسطین باشند که به وظایفشان عمل نکنند، حساب آنها جداست اما مردم فلسطین، ملت فلسطین، مجاهدان فلسطینی مورد تایید و حمایت ما هستند.

■ **اعتقاد به استقلال ملی و رد سلطه‌پذیری**

یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام، مساله استقلال کشور، رد سلطه‌پذیری [است]، این هم یکی از سرفصل‌های مهم است. من سال گذشته در همین جلسه به مستمعین آن سال عرض کردم، استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت، این معنای استقلال است. اینکه بعضی در زبان یا در شعار دنبال آزادی‌های فردی باشند اما علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است. چطور ممکن است آزادی فردی اشخاص محترم باشد اما آزادی یک ملت، آزادی در مقیاس یک کشور، در مقابل تحریم‌های مخالفان و بیگانگان، محترم نباشد! این اصلاً قابل فهم نیست، قابل قبول نیست. متأسفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی می‌کنند برای نفی استقلال کشور، استقلال را گاهی به انزوا معنا می‌کنند، گاهی به این عنوان که امروز استقلال کشورها یک ارزش به حساب نمی‌آید، قلمزنی می‌کنند و حرف می‌زنند، این حرف‌ها هم بین جامعه پخش می‌شود. کسانی این‌جوری حرکت می‌کنند. این یک غلط بزرگ، یک خطای بسیار مهم و خطرناک است.

امام معتقد به استقلال کشور بود، معتقد به رد سلطه [بر] کشور بود. دشمن ما در طول این سال‌ها، بسیاری از فعالیت‌هایی که علیه کشور ما و ملت ما کرده است برای این بود که خدشه در استقلال به‌وجود بیاورد، چه تحریم، چه تهدید، اینها استقلال را هدف گرفته‌اند. باید همه هوشیار باشند، بدانند که هدف‌های دشمن چیست. این هم یکی از خطوط اصلی است.

■ **تکیه بر وحدت ملی**

یکی دیگر از خطوط اصلی تفکر امام و راه امام و خط امام- این مطلب آخری است که عرض می‌کنم- مساله وحدت ملی است و توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن، چه تفرقه براساس مذهب، شیعه و سنی، چه تفرقه براساس قومیت‌ها، فارس و عرب و ترک و کرد و لر و بلوچ و امثال اینها.

تفرقه‌افکنی یکی از سیاست‌های قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما از اول روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت، یک تکیه کم‌نظیر داشت که این یکی از خطوط است. امروز ما این خط را هم باید دنبال بکنیم. امروز شما می‌بینید در دنیا مساله تفرقه دنیای اسلام یکی از سیاست‌های اصلی استکبار است. آمریکایی‌ها کارشان به آنجا رسیده است که حالا دیگر اسم شیعه و سنی می‌آورند، اسلام شیعه، اسلام سنی، از یکی حمایت می‌کنند، به یکی حمله می‌کنند. در حالی که جمهوری اسلامی ایران از اول نسبت به این مساله اختلاف مذهبی یک نگاه کاملاً یکسانی داشت. ما با برادران فلسطینی‌مان که سنی‌اند همان جور عمل کردیم که با برادران حزب‌الله لبنان که شیعه هستند عمل کردیم. همه جا یک جور عمل کردیم. نگاه امام بزرگوار ما در داخل کشور این بود، در دنیای اسلام نگاه جمهوری اسلامی نگاه امت‌ساز است، امت اسلامی مورد نظر است. اینکه نوکرهای دست دوم آمریکا می‌آیند مساله هلال شیعی را مطرح می‌کنند، این نشان‌دهنده سیاست‌های تفرقه‌افکن است. اینکه آمریکایی‌ها علی‌رغم تبلیغات فراوان، نسبت به همین گروه‌های تفرقه‌افکن تکفیری در عراق و سوریه مماشات می‌کنند- احیاناً در مواردی هم به آنها به‌صورت بی‌خبر و مخفیانه کمک می‌کنند، عواملشان که به‌صورت صریح از آنها حمایت می‌کنند- این نشان‌دهنده این است که نقش تفرقه‌افکنی از نظر دشمنان اسلام و مسلمین و دشمنان جمهوری اسلامی نقش بسیار برجسته‌ای است. این را همه توجه کنند، هم شیعه توجه کند، هم سنی توجه کند، بازی دشمن را نخورند. آن تسننی که آمریکا از آن حمایت کند و آن تشیعی که از مرکز لندن به دنیا صادر بشود، اینها مثل هم هستند، هر دوی آنها برادران شیطانند، هر دوی آنها عوامل آمریکا و غرب و استکبارند.

همدلی و همزبانی‌ای که ما امسال اول سال بر آن تکیه کردیم و مکرر بعد از آن تکرار کردیم، بر همین مبنا استوار است. در داخل کشور، خواهران و برادران از اقوام مختلف، از مذاهب گوناگون، در کنار هم ید واحده تشکیل بدهند- همچنان‌که بحمدالله تا امروز بوده است- نگذارند دشمن نفوذ کند در قلمرو دنیای اسلام. در سطح وسیع و گسترده هم همین‌طور برادران سنی و شیعه در کنار هم بدانند که دشمنی [هست که] دارد اصل موجودیت اسلام را تهدید می‌کند. این هم یکی از خطوط اسلامی.

اشاره

به عشق انقلاب پابرهنه‌ها

میکائیل دیانی: از گوشه و کنار کشور، کاروان‌های زیارتی به سمت حرم مطهر امام راهی شده‌اند؛ مردمانی با دست‌های پینه‌بسته و لباس‌هایی ساده از جنس امام، مردمانی که از سال ۴۲ همپای امام قیام کردند و هنوز که هنوز است برای تجدید بیعت با آرمان‌های امام و انقلاب‌شان به بهشت زهرا می‌آیند.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) حماسه‌ای بود که نظام ظالم، ستمگر و طبقه اشراف را زمین زد. انقلابی عدالت‌محور و فسادستیز که برگرفته از آموزه‌های دین و ائمه ما بود و با بیان شیوای امام امت تبیین می‌شد. در انقلاب، هدف رسیدگی به وضع مستضعفان بود و حکومتش را حکومت کوخ‌نشینان می‌نامیدند نه مُلک کاخ‌نشینان. در این انقلاب غنی بودن ارزش نبوده و نیست بلکه متقی بودن ملاک برتری قرار می‌گیرد. پیرمرد کشاورز خسته در دورترین روستای کشور که سحرگاه با توکل بر خدا و برای رضای او مشغول به کار می‌شود برای امام باارزش‌تر از تن‌پرورانی است که در پایتخت حضور دارند و بر دوش ملت بار هستند نه در کنار آنها یا!

وقتی می‌گوییم آرمان‌های انقلاب را امام(ره) تبیین می‌کرد یعنی زندگی و معیشت امام خمینی، خود نمونه کامل زیستن در جامعه اسلامی بود. زندگی در زهد و قناعت و ساده‌زیستی و این شیوه، تنها مربوط به دوران قبل از مرجعیت و رهبری او نمی‌شد بلکه معتقد بود رهبر باید زندگی‌اش همسان معمولی‌ترین اقشار جامعه و حتی پایین‌تر از آنها باشد. او در تمام دوره عمرش به زندگی زاهدانه پایبند بود.

وقتی می‌گوییم مملکت ما سرای کوخ‌نشینان است، این را از پیر فرزانه خود می‌گیریم که می‌گفت: «یک موی سر این کوخ‌نشینان و شهیدداداگان به همه کاخ و کاخ‌نشینان جهان شرف و برتری دارد». سیره‌ای که بعد از امام همواره توسط رهبر انقلاب اجرا می‌شود.

او یاران انقلاب را این طور تعریف می‌کرد: «آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند.» تعریفی که بعدها آن را درک کردیم. زمانی که دیدیم بعضی از کسانی که داعیه‌دار انقلاب بودند، سر از کشورهای معارض با نظام درآوردند یا در همین جا مقابل مردم و نظام ایستادند. در نظام ما «بالای شهر، پایین شهر» معنا ندارد، چرا که عدالت برای تمام مردم ما متصور است همانطور که امام ما به ما آموخته بود «گمان نکنید کاخ‌نشین‌ها بسیار مرفه هستند، آنها دلشان لبریز از تزلزل است، آنها قلب‌شان آرام نیست. تزلزلی که در بین کاخ‌نشین‌ها هست بین کوخ‌نشین‌ها نیست». رسیدگی به پابرهنگان دغدغه ولی‌مان بود و آنقدر به آنها عشق می‌ورزید که می‌گفت: «همین پابرهنه‌ها، ایستادند در مقابل توپ، تانک، مسلسل؛ ایستادند و پیش بردند کارشان را! این ابرقدرت‌ها همه پشتیبان شاه بودند و این مردم پابرهنه با مشت ایستادند در مقابل تانک، خون دادند و عقب زدند آنها را که دیگر نتوانست این [شاه] بماند خودش اینجا، آنها هم که رفتند».

او مردم را ولی‌نعمت خود می‌دانست؛ مردمی که اگر اراده می‌کرد جانشان را نثار امام‌شان می‌کردند؛ همان کاری که در ۸ سال دفاع مقدس کردند. مردم یکی از ارکان اصلی اندیشه امام در حکومت بودند. این قانون همیشه برای حضرت امام وجود داشت که بین فقیر و غنی در نظام اسلامی فرقی نیست حتی رسیدگی به مستضعفان را مقدم می‌دانست. دستور تشکیل کمیته امداد، حساب شماره ۱۰۰ و... نیز همه از همین اندیشه سرچشمه می‌گرفت که الگویش را امامان معصوم علیهم‌السلام، می‌دانست.

جزو اولین اقدامات امام‌مان بعد از تشکیل حکومت، از بین بردن خوی کاخ‌نشینی بود، چرا که ایشان آن را منافی اخلاق اسلامی می‌دانستند. امام می‌فرمودند: «ما باید کوشش کنیم اخلاق کاخ‌نشینی را از این ملت بزداییم. اگر بخواهید ملت شما جاوید بماند و اسلام، آن طوری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد، در جامعه ما تحقق پیدا کند، مردم را از آن خوی کاخ‌نشینی به پایین بکشید، خود کاخ‌نشینی این خوی را می‌آورد».

اینها آرمان‌های پیر فرزانه ما بود که یک دهه در گوشمان زمزمه کردند و الحق والانصاف که دنباله‌رو راه ایشان مقام معظم رهبری هستند که در تمام دوران ۲۷ ساله تمام هم و غم خود را صرف تحقق آن کرده‌اند.

از سال‌های دهه ۷۰ به بعد کم‌کم این افکار و عقاید در بین برخی سران مملکتی فراموش شد و اشرافی‌گری دوباره مدل زندگی آنها قرار گرفت که این لطمات جبران‌ناپذیری به جامعه ما زد. اگرچه برخی را اشرافیت گرفته اما همچنان پابرهنه‌ها و مستضعفان به عشق امام امت و تجدید بیعت با جانشین شایسته ایشان به حرم مطهر می‌آیند و انقلاب نیز میراث همین پابرهنه‌ها خواهد بود.